



وای به حال کسانی که خلوتشان خراب و جلوتشان درست است

آیت‌الله العظمی آقامجتبی تهرانی می‌فرمودند چه بسا کسانی که خلوت و جلوتشان هر دو خراب است، به مغفرت خدا نزدیکتر باشند تا کسانی که خلوتشان خراب و جلوتشان درست است. دسته اول حسابشان صافتر است.

آیت‌الله العظمی آقامجتبی تهرانی می‌فرمودند چه بسا کسانی که خلوت و جلوتشان هر دو خراب است، به مغفرت خدا نزدیکتر باشند تا کسانی که خلوتشان خراب و جلوتشان درست است. دسته اول حسابشان صافتر است.

به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر محسن اسماعیلی حقوقدان و استاد دانشگاه در ادامه سلسله جلسات شرح نهج البلاغه که در مرکز فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی (سرچشمه) برگزار می‌شود به بحث درباره نامه ۶۹ نهج البلاغه پرداخت که اکنون گزارشی از آن پیش روی شماست.

وی با بیان اینکه بحث ما درباره نامه ۶۹ بود. به سه جمله ای رسیدیم که در آن امیرالمومنین (علیه السلام) ما را از سه چیز بر حذر داشته اند و آن سه چیز به هشدارهای پیامبر درونی ما بر می‌گردد: «وَاحْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يَرْضَاهُ صَاحِبُهُ لِنَفْسِهِ، وَيُكْرَهُ لِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ، وَيُسْتَحْيٰ مِثْلُهُ فِي الْعَلَانِيَةِ، وَاحْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ إِذَا سُئِلَ عَنْهُ صَاحِبُهُ أَنْكَرَهُ أَوْ اعْتَذَرَ مِنْهُ».

در توضیح جمله دوم یعنی «وَاحْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ، وَيُسْتَحْيٰ مِثْلُهُ فِي الْعَلَانِيَةِ» گفتیم که ما از دو نوع تفاوت در روایات بر حذر داشته شده ایم: تفاوت ظاهر و باطن، و تفاوت خفا و علن. چهره ظاهر و باطن و نیز پشت پرده ما و ویتترین بیرونی ما نباید متفاوت باشد. البته این دو نوع تفاوت با هم فرق دارند و گاهی اوقات احکام متفاوتی هم دارند و باید از هم تفکیک شوند. مثلاً در نامه ۲۶ نهج البلاغه که امیرالمومنین (ع) به یکی از مأموران خودشان مرقوم داشته اند، بین این دو نوع «تفاوت»، فرق گذاشته اند.

توجه بفرمایید: «آمَرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَ حَفِيَّاتِ عَمَلِهِ»، من این مأمور خودم را دستور می‌دهم به اینکه در امور پنهانی و اعمال مخفیانه خودش رعایت کند. «سرائر» جمع «سریره» است و در روایات ما نیز از فرق بین ظاهر و باطن با تعبیر فقرق بین «سریره» و «علانیه» یاد کرده اند؛ اما تفاوت خفا و علن با عبارت تفاوت بین «سر» و «علن» یاد کرده اند. اینجا می‌فرمایند که تو را به تقوای الهی در اعمال مخفیانه امر می‌کنم که «حَيْثُ لَا شَهِيدَ غَيْرُهُ، وَلَا وَكِيلَ ذُوْنَهُ»؛ چون تنهایی و هیچ شاهدی جز خدا نیست و جز او کسی شاهد و ناظر اعمال نیست. این مطلب تکان دهنده ای است، چرا که همان کسی که شاهد است، قاضی هم هست. «وَأَمْرُهُ أَنْ لَا يَعْمَلَ بِشَيْءٍ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ فِيمَا ظَهَرَ فَيُخَالِفَ إِلَى غَيْرِهِ فِيمَا أَسْرَرُ»؛

همچنین دستور می‌دهم که هیچ یک از طاعات را در ظاهر انجام ندهد و پشت پرده خلافتش عمل کند. حضرت به هر دو نوع تفاوت توجه داده اند. نه باطن و ظاهر ما باید فرق کند و نه رفتارهای علنی ما با رفتارهای خصوصی و خودمانی. و بعد می‌فرمایند: «وَمَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرُّهُ وَعَلَانِيَتُهُ، وَفِعْلُهُ وَمَقَالَتُهُ فَقَدْ آذَى الْأَمَانَةَ، وَاحْتَلَصَ الْعِبَادَةُ». اگر کسی پشت پرده و روی پرده اش، رفتار علنی و مخفیانه اش و سخن و عملش با هم متفاوت نباشد؛ امانتداری کرده و امانت خدا را سالم برگردانده و عبادت را خالصانه انجام داده است. در دو جلسه قبل عرض شد که خداوند ما را با فطرتی سالم و توحیدی و خداجو و خداخواه آفریده است. فطرت ما یک چهره بیشتر ندارد. یک رنگ بیشتر ندارد و آن هم «صبغه الله» است. یک چهره دارد و آن هم چهره ای الهی و معنوی است. اگر کسی مراقب باشد که این چهره، دو تا نشود؛ امانتداری کرده است.

اما اگر مراقبت نکرد و خلوت و جلوتش و ظاهر و باطنش دو تا شد، فطرتش دیگر الهی نیست و امانتداری نکرده است. جلسه قبل گفتیم کسی که خلوت و جلوتش فرق می‌کند و جلوی چشم مردم طاعت الهی انجام می‌دهد ولی مخفیانه طاعت خدا را انجام نمی‌دهد، مبتلا به خیلی از رذایل هست، از جمله «ریا». مقابل ریا، اگر کسی از خودش مراقبت کند و حضور و غیبت مردم در او تاثیری نداشته باشد، «احْتَلَصَ الْعِبَادَةُ»، عبادتش را خالص کرده است. چنین کسی هم امانتدار خوبی است و هم گرفتار ریا و خودنمایی نشده است. در این قسمت از نامه ۶۹ هم حضرت همین را می‌فرمایند که تمرین کنید خلوت و جلوت شما با هم فرق نکند. ببینید اگر کاری را جلوی چشم دیگران انجام نمی‌دهید، در خلوت هم انجام ندهید. اگر در جلوت، مردم شما را می‌بینند؛ در خلوت، خود خدا شما را می‌بیند. از چشم مردم خجالت می‌کشید ولی از خدا خجالت نمی‌کشید؟

به سؤال جلسه قبل برگردیم: این جمله امیرالمؤمنین در نامه ۶۹ ناظر به کدام یک از دو «تفاوت» ذکر شده است؟ تفاوت خلوت و جلوت است یا ظاهر و باطن؟ در میان تفاسیر و ترجمه های نهج البلاغه، من کسی را ندیدم که به این نکته توجه کرده باشند.

بعضی معنای اول را گرفته اند و برخی معنای دوم را و بعضی هم هر دو را با هم. گرچه نهی از تفاوت «ظاهر و باطن» هم در نهج البلاغه هست؛ اما به نظر می رسد این جمله نهی از تفاوت «خلوت و جلوت» است. چرا؟ اولاً اینجا حضرت بین «سر» و «علانیه» مقابله درست کرده اند؛ نه «سریره» و «علانیه». صحبت از تفاوت پشت پرده و جلوی پرده است. ثانیاً، منطق و سیاق هر سه جمله و هر سه تحذیر یکی است.

اگر به جملات دقت کنید، می بینید که هر سه جمله در ارتباط با مردم است. اولی می گوید آیا اگر کاری را مردم انجام دهند راضی هستی؟ اگر راضی نیستی، انجام نده. سومی می گوید اگر مردم بفهمند و اعتراض کنند، مسئولیت آن را قبول می کنی؟ اگر قبول نمی کنی انجام نده. این جمله وسط نمی تواند از نظر منطق با قبل و بعدش متفاوت باشد. این هم باید به مردم مربوط باشد. یعنی اگر حاضر نیستی عملی را جلوی مردم انجام دهی، در خلوت هم انجام نده. اگر کسی از خلق خدا خجالت می کشد، نباید از خود خدا خجالت بکشد؟

چقدر زشت است برای کسی که ادعای ایمان به مبدا و معاد می کند که از بندگان خدا خجالت بکشد ولی از خداوند قادر شرم نکند. حضرت ما را از این بی حیایی بر حذر می دارند. می فرمایند که از بی حیایی در مقابل دیدگان پروردگار و باحیایی در مقابل دیدگان مردم برحذر باش!

اگر آدم دقت کند بزرگترین تلنگرهای روحی در همین روایات است. مثلاً از حضرت موسی ابن جعفر (سلام الله علیه) روایتی نقل شده که: «استحيوا من الله في سرائركم كَمَا تَسْتَحْيُونَ مِنَ النَّاسِ فِي عِلَانِيَتِكُمْ»؛ از خدا در مخفی گاه های خود و تنهایی هایتان حیا کنید؛ همان طور که از مردم در آشکارا حیا می کنید (نعوذ بالله، برای خدا حداقل به اندازه مردم ارزش قائل باشید). در روایت عجیب دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هست که: «اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ اسْتِحْيَاءَكَ مِنْ صَالِحِي جِيرَانِكَ، فَإِنَّ فِيهَا زِيَادَةَ الْيَقِينِ»؛ چطور از همسایه خوبت خجالت می کشی، از خدا هم همان طور حیا کن و خجالت بکش.

چقدر به ظرافتهای روحی ما دقت کرده اند. هیچ راه فراری برای ما باقی نگذاشته اند. انسان از همسایه بد خجالت نمی کشد، ولی غالباً از همسایه خوب خجالت می کشد. خدا به اندازه ی یک همسایه هم نیست؟ انسان به اندازه ی یک همسایه خوب هم نباید از خدا خجالت بکشد؟ البته این کجا و آن کجا؟ ولی برای امثال من از همین جا شروع می کنند. از ملموس و محسوس شروع می کنند. حواست به چشم نظاره گر همسایه ی خوبت باشد و از اینجا تمرین کن تا مراقب چشم های نظاره گر الهی و حساب و کتاب الهی هم باشی؛ «فإن فيها زيادة اليقين»؛ در چنین تمرینی زیاد شدن یقین نهفته است. اینکه امام رضوان الله تعالی علیه فرمودند «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید»، برای امثال من نیست که عالم را محضر خدا بدانند. برای من باید بگویند اقلاً به اندازه همسایه و دوست و همکارت از خدا هم خجالت بکش، «وَاحْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ، وَيُسْتَحْيٰ مِنْهُ فِي الْعِلَانِيَةِ».

در روایت دیگر از امام سجاد (علیه السلام) هست که فرمودند: «خَفِ اللَّهَ لِقَدْرَتِهِ عَلَيْكَ وَ اسْتَحْ مِنْهُ لِقَرْبِهِ مِنْكَ»؛ از خدا بترس، چرا که اگر بخواهد رسوایت کند، زورش می رسد و از او حیا کن، چرا که نزدیک است. آنقدر دور نیست که نداند چه می کنی. از همسایه ات، چون «هم-سایه» است و نزدیک است خجالت می کشی، ولی خدا را از او دورتر می دانی و خجالت نمی کشی؟ ایمان به قرب الهی و قدرت الهی باعث می شود انسان از خدا حیا کند و خلوت و جلوتش متفاوت نباشد. راه تفاوت نداشتن خلوت و جلوت الهی، ایمان به قرب الهی است.

اما چند تذکر عملی مهم برای اینکه از این جمله سوء برداشت نکنیم:

تذکر (۱) امیرالمؤمنین (ع) در این جمله و جملات مشابه فرموده اند: «وَاحْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ يُعْمَلُ بِهِ فِي السِّرِّ، وَيُسْتَحْيٰ مِنْهُ فِي الْعِلَانِيَةِ». اگر از مردم خجالت می کشی و کاری را انجام نمی دهی، پشت پرده ات را هم درست کن.

یک وقت شیطان ما را فریب ندهد و بگوید حالا که نمی توانیم پشت پرده را درست کنیم، جلوبندی را هم خراب کنیم!! بعضی می گویند چون نمی توانیم باطن را درست کنیم و ظاهر و باطن باید مثل هم باشند، ظاهر را هم خراب کنیم! خلوتت را درست کن، نه اینکه جلوتت را هم خراب کنی! حیای از مردم نقطه ی مثبت برای انسان است. از این استفاده کن و پشت پرده را هم درست کن؛ نه اینکه این روزنه امید را هم ببندی. در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) هست که: «مَنْ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنَ النَّاسِ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ»؛ اگر کسی بی حیا شود و از مردم خجالت نکشد، از خدا هم خجالت نمی کشد. اگر کسی از چشمان ناظر مردم حیا نکرد، از خدایی که ایمان شخص به او هم ضعیف است خجالت بکشد؟ و لذا انسان متشرع و مومن باید از مردم حیا کند. به بهانه یکی بودن خلوت و جلوت و ظاهر و باطن، جلوت و ظاهرش را خراب نکند.

تذکر (۲) اگر خدای نکرده خلوت ما خراب است، مجوز این نیست که حیای از مردم را کنار بگذاریم و علنی معصیت کنیم و یا

اعمال مباح خلاف مروت انجام دهیم. «حفظ ظاهر» برای یک انسان مومن لازم است.

استاد ما رضوان الله تعالى عليه جمله ای قیمتی داشتند. می فرمودند که «ظاهر سازی» با «حفظ ظاهر» فرق می کند. ظاهر سازی زشت و بد است و حفظ ظاهر بعضی وقت ها واجب است. توضیح می دادند که اگر کسی ایمان و اعتقاد دارد ولی ایمانش ضعیف است. آنقدر قوی نیست که ظاهرش را هم درست کند. این شخص باید «حفظ ظاهر» کند. باید مراقب باشد که نمود بیرونی اش مطابق دستورات شرع باشد. همین مراقبت، اندک اندک تاثیر می گذارد و اعتقاد درونی اش هم تقویت می شود و ایمانش بالا می رود و خلوتش هم مثل جلوتش می شود. اما اگر کسی اعتقاد باطنی ندارد و فقط تظاهر می کند، این می شود «نفاق» و «ریا». «ظاهر سازی» یعنی اعتقاد درونی وجود ندارد و صرفا نمایش می دهد. اما «حفظ ظاهر» برای وقتی است که اعتقاد قلبی هست و با اعمال بیرونی، در پی تقویت درون است. حتی غیبت کسی که حفظ ظاهر نمی کند، جایز است: «من القی جلاباب الحياء فلا غيبة له»؛ کسی که پرده حیا را می اندازد و نه از خدا و نه از مردم خجالت نمی کشد، غیبتش مجاز است. ظاهر شرعی را از بین نبرد. خلوتت را خراب نکن.

مرحوم استاد آقامجتبی تهرانی می فرمودند چه بسا کسانی که خلوت و جلوتشان هر دو خراب است، به مغفرت خدا نزدیکتر باشند تا کسانی که خلوتشان خراب و جلوتشان درست است. دسته اول حسابشان صافتر است.

تذکر (۳) انسان متشرع باید توجه کند که تفاوت خلوت و جلوت نشانه «نفاق» و «کذب» و «ریا» و «وقاحت» است. جلسه قبل توضیح دادیم. ولی انسان باید توجه کند که آثار تفاوت خلوت و جلوت فقط اینها نیست و روی مردم و جامعه هم اثرات منفی زیادی دارد. گاهی برای اعتقادات مردم معمولی آنقدر زیانبار است که آنها را از دین بیرون می کند؛ به ویژه آنهایی که چهره دینی و تعلیم و تربیتی دارند باید خیلی مراقب باشند. کاری نکنند که مردم بگویند:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند

چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند

مشکلی دارم ز دانشمند مجلس بازپرس

توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند

گوییا باور نمی دارند روز داوری

کاین همه قلب و دغل در کار داور می کنند

تفاوت خلوت و جلوت روی دین مردم هم اثر می گذارد. برای همین هم حضرت فرمودند: بترس! از تفاوت خلوت و جلوت.

تذکر (۴) بعضی کارها هست که شرعا و عقلا و عرفا باید مخفیانه انجام داد. کارهای بد و زشت نیست. شاید واجب است. منظور حضرت آن کارها نیست. امیرالمومنین(ع) کارهایی را می فرماید که فی نفسه قبیح و زشت هستند.

تذکر (۵) منظور امیرالمومنین(ع) این نیست که به فکر جلوت و چهره بیرونی نباشید و به حرف مردم فکر نکنید. بلکه یک پله بالاتر بروید و به فکر قضاوت الهی هم باشید. وگرنه اینکه انسان مومن به فکر جلوه بیرونی خودش باشد و خجالت بکشد از قضاوت نامناسب مردم بد نیست. خوب است. ولی باید توجه کرد که اگر خلوت و جلوت فرد یا ظاهر و باطن او با هم متفاوت باشد، این تفاوت تا ابد مخفی نمی ماند و بالاخره رسوا می شود. بنابراین به جای ظاهر سازی باید به حفظ ظاهر و تقویت اعتقاد درونی روی آورد. وگرنه اگر جلوت ما درست شد و خیلی هم وجیه و آبرومند شدیم ولی خلوت درست نشد، روزی که پرده دیگر هیچ آبرویی برای انسان نمی ماند.

این پرده اگر در دنیا هم نیفتد، که می افتد، در آخرت خواهد افتاد. «یوم تبلی السرائر» است. خیلی رسوا کننده است برای

انسان که جلوی چشم همه اولیا و انبیا معلوم شود که خلوت انسان چیزی و خلوتش چیز دیگری بوده است. بنابراین عیبی ندارد و بلکه «باید» انسان مومن مراقب وجهه بیرونی اش باشد، ولی قبل از آن باید خلوتش را اصلاح کند و اگر انسان خلوتش را اصلاح کرد، خداوند خودش خلوت او را نیز اصلاح می کند و نیاز نیست فرد به زحمت بیفتد.

نهج البلاغه هم مانند قرآن «یفسر بعضه بعضا» هست. در حکمت ۴۲۳ آمده است: «مَنْ أَصْلَحَ سِرِّرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَ مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ»؛ هرکس باطنش را اصلاح کند، خدا ظاهر او را اصلاح می کند؛ و هرکس برای دینش کار کند، خدا دنیای او را کفایت می کند؛ و هرکس خلوتش را درست کند، خدا خلوتش را و رابطه او با مردم را درست می کند.